

گروه های اسمی و تشخیص آن ها

– گروه اسمی چیست ؟

به اسم های موجود در یک جمله گروه اسمی می گویند.

گروه چیست ؟ گروه در این جا به معنای اصطلاحی که تا کنون با آن سر و کار داشته اید نیست . یعنی مثلاً ما در زندگی خود تا زمانی که چند چیز در کنار هم قرار نگیرند ، به آن گروه ولی هیچ گاه به یک نفر گروه نمی گوییم .

توجه : گروه در زبان فارسی چنین معنایی ندارد . یعنی ما به یک کلمه هم گروه می گوییم و به یک اسم با وابسته های آن نیز یک گروه می گوییم .

مثال " : مداد " یک گروه اسمی است . " مداد مشکلی " هم یک گروه اسمی است . " چهار مداد مشکلی " هم یک گروه اسمی است .

توجه : در هر گروه یک هسته وجود دارد و ممکن است یک یا چند وابسته نیز وجود داشته باشد . پس وجود هسته اجباری و لازم و وجود وابسته اختیاری است .

چگونه یک اسم را در جمله تشخیص دهیم ؟

به این جمله دقت کنید :

من برای خرید کفش به بازار رفتم .

سوال : به نظر شما چند گروه اسمی در این جمله هست ؟

پاسخ : ۳ گروه

۱ – من ۲ – خرید کفش ۳ – بازار

من ، نهاد است و نهاد همیشه یک گروه اسمی است .

خرید کفش ، پس از حرف اضافه ی " برای " قرار گرفته و متمم است . که " خرید " در این جا هسته و " کفش " وابسته است .

بازار ، پس از حرف اضافه ی " به " قرار گرفته و متمم است .

می دانیم که متمم ها همیشه اسم هستند . در کل کلماتی که در نقش های مختلف (متمم – مفعول – نهاد – مسند) قرار می گیرند ، اسم هستند . پس شما اگر بتوانید نقش ها را تشخیص دهید گروه ها را هم تشخیص داده اید . حال چگونه هسته و وابسته را از هم تشخیص دهیم .

۱ – خرید کتاب : اگر کلماتی را دیدید که با کسره به کلمه ی پس از خود متصل می شوند ، هسته هستند .

یعنی در یک گروه اولین کلمه ای که کسره می گیرد " هسته " و بقیه ی کلمات وابسته هستند .

مثال : در گروه " مداد مشکلی من " مداد ، هسته و بقیه ی کلمات وابسته هستند . مشکلی وابسته و من وابسته ی وابسته است .

سوال : در گروه " این خانه ی بزرگ " هسته و وابسته را مشخص کنید ؟

پاسخ : هسته ← خانه وابسته ی پیشین ← این وابسته ی پسین ← بزرگ

نتیجه: پس وابسته ها پیش یا پس از اسم قرار می گیرند. از همین رو زبان شناسان وابسته های را به دو گروه تقسیم می کنند.

۱- وابسته های پیشین ۲- وابسته های پسین

وابسته های پیشین:

۱- (صفت اشاره) مانند: این، آن، همین، همان، چنین، چنان، آن گونه، این گونه و....

این کتاب، آن دوست، همین خانه، همان مداد، همین ماشین، چنین مردی، چنان کاری

دقت کنید، این کلمات زمانی صفت هستند که همراه اسم به کار روند و گر نه به تنهایی ضمیر هستند.

مثال: برادرم آن را برداشت. در این جا کلمه ی "آن" به یک چیزی که نامش نیامده اشاره دارد، یعنی به جای آن کلمه آمده است و ضمیر نام دارد. ولی اگر بگوییم "برادرم آن ساعت را برداشت" آن صفت است زیرا همراه یک اسم (ساعت) به کار رفته است.

نکته: هرگاه بعد از واژه های اشاره شده مکث کوتاهی شود، یعنی بتوانیم بعد از آن ها نشانه ی "،" بگذاریم باز واژه ی مورد نظر «ضمیر اشاره» است.

مثال: این، مجید است.

۲- (صفت پرسشی) هرگاه واژه های «کدام، کدامین، چه، چگونه، چطور، چه جور، چه سان، چه قدر، چه اندازه، چه مقدار، چند، چندان، چندمین، هیچ و...» همراه با اسم بیایند «صفت پرسشی» نامیده می شوند. اما اگر با اسم یا جانشینان آن همراه نباشد «ضمیر پرسشی» هستند.

مثال: کدام کتاب را دوست داری؟ (صفت اشاره) کدام را دوست داری؟ (ضمیر اشاره)

۳- صفت مبهم: هرگاه نشانه های مبهم «هر، همه، هیچ، فلان، چندین، خیلی، کمی، بسیاری، اندکی، قدری، برخی، بعضی، پاره ای، چندان،...» همراه اسم یا جانشینان اسم ذکر شوند، «صفت مبهم» اند و اگر بدون همراهی اسم و جانشینان اسم ذکر گردند «اسم مبهم» اند.

مثال: همه ی مردم آمدند. همه همراه با اسم است پس ← صفت مبهم

همه، آمدند. همه، همراه با اسم نیست پس ← ضمیر مبهم

نکته: هرگاه «چند، چندین، هیچ» مفهوم پرسشی داشته باشند دیگر نشانه مبهم نیستند و صفت پرسشی به حساب می آیند.

مثال: هیچ عاقلی را می شناسی؟

کلمه ی "چه" می تواند ضمیر پرسشی یا ضمیر تعجبی باشد. به مثال ها توجه کنید.

چه کتابی خریدی ؟ چه ، صفت پرسشی است.

چه کتاب زیبایی ! چه ، صفت تعجبی است.

یعنی در تشخیص این گونه مباحث باید به معنا توجه لازم و کافی کرد.

۴- صفت تعجبی: هرگاه واژه های «چه، عجب، چقدر» همراه اسم یا جانشینان اسم باشند «صفت تعجبی» هستند و اگر به تنهایی بیایند ، «ضمیر تعجبی» اند.

مثال: چه کار خوبی کردی ! چه وابسته ی پیشین و صفت تعجبی است . کار هسته است.

چه کردی ! کار هسته است . و به قرینه لفظی حذف شده است . ما در درسی دیگر حذف به قرینه را توضیح خواهیم داد.

۵- صفت شمارشی :

الف) صفت شمارشی اصلی: هرگاه اعداد یک تا بی نهایت با اسم یا جانشینان اسم همراه گردند ، «صفت شمارشی» اصلی اند و اگر به تنهایی بیایند «ضمیر شمارشی» اند

مثال : یک مسلمان نباید دروغ بگوید . یک وابسته پیشین و صفت شمارشی اصلی است.

ب) صفت شمارشی ترتیبی: صفتی است که با لفظ «-مین» یا «-م» همراه است . صفتی که با « _مین» همراه می شود وابسته پیشین و صفتی که با « -م» همراه می شود وابسته پسین است.

مثال: چهارمین سال تولد برادرم را جشن گرفتیم . سوم وابسته ی پیشین و صفت شمارشی است . سال هسته است.

خرداد ، ماه سوم سال است . سوم وابسته ی پسین و صفت شمارشی است . ماه هسته است.

۶- صفت عالی: همه ی صفت هایی که وند «ترین» را به دنبال دارند «صفت عالی» هستند

مثال: دیدن او بزرگ ترین آرزوی من است . بزرگ ترین وابسته ی پیشین و آرزو هسته است.

۷- شاخص: عناوین و القابی را می گویند که پیش از اسم می آیند . شاخص ها بی هیچ فاصله ای در کنار هسته قرار می گیرند و خود اسم یا صفت هستند و می توانند در جای دیگری هسته گروه اسمی باشند.

مشهور ترین شاخص ها عبارتند از : آقا ، خانم،استاد، حاجی خواهر، برادر، عمو، عمه ، خاله، تیمسار، سرلشکر، کدخدا، مهندس ، دکتر ، امام ، شهید و...

چگونگی تشخیص هسته ی گروه اسمی

هرگاه در یک گروه اسمی بیش از یک اسم وجود داشته باشد، تنها یکی از آنها هسته است و آن اسمی است که معمولاً مفهوم اصلی گروه اسمی را تشکیل می دهد .

برای تشخیص آن با ید به موارد زیر توجه کرد.

۱- اگر گروه اسمی جایگاه نهاد را اشغال کند، فعل جمله از نظر شخص و شمار تنها با اسمی مطابقت می کند که نقش هسته را بر عهده دارد.

مثال: « دبیران مدرسه ی ما فردا در یک جلسه ی عمومی شرکت خواهند کرد .»

در این جمله گروه اسمی "دبیران مدرسه ی ما" نقش نهاد را دارد و از سه واژه تشکیل شده است که فعل جمله تنها با واژه ی "دبیران" مطابقت دارد .

۲- ملاک دیگر برای تشخیص هسته ی گروه اسمی این است که معمولاً اولین واژه ای که در گروه اسمی نقش نمای اضافه می گیرد، هسته است .

مثال: "آن دو درخت تنومند همسایه "

۳- اگر در گروه اسمی هیچ کدام از واژه ها نقش نمای اضافه ندارند، هسته آخرین واژه است .

مثال: این چند دانش آموز

هسته

که اگر آن را گسترش دهیم، دانش آموز اولین واژه ای است که نقش نمای اضافه می گیرد .

"این چند دانش آموز زرنگ"

هسته